

شناسایی الزامات شفافیت در حکمرانی در سازمان‌های دولتی (یک مطالعه مروری با رویکرد تحلیل مضمون)

بهناز کمال پور^۱، مهربان هادی پیکانی^۲*

۱. دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت دولتی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۲. هیئت علمی و استادیار گروه مدیریت، دانشکده حکمرانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده

شفافیت به عنوان یکی از شاخصه‌های بنیادین حکمرانی خوب، نقش کلیدی در ارتقای پاسخگویی، کاهش فساد، و تقویت اعتماد عمومی در سازمان‌های دولتی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی الزامات شفافیت در حکمرانی در سازمان‌های دولتی، با رویکردی مروری و مبتنی بر تحلیل مضمون انجام شده است. روش تحقیق کیفی بوده و به منظور گردآوری داده‌ها، ۲۸ منبع علمی داخلی و بین‌المللی بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۵ با معیارهایی مشخص مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها بر اساس مدل شش مرحله‌ای براون و کلارک انجام شد که شامل کدگذاری اولیه، تشکیل مضامین فرعی و نهایتاً دسته‌بندی آن‌ها در قالب مضامین اصلی بود. یافته‌ها نشان داد که الزامات شفافیت در پنج دسته اصلی قابل طبقه‌بندی هستند: الزامات قانونی و حقوقی، ساختاری و نهادی، فرهنگی و ارزشی، فناوری و اطلاعاتی، و مشارکتی و اجتماعی. این مضامین، حاصل تجزیه و تحلیل ۳۲ کد فرعی هستند که از متون پژوهشی استخراج و طبقه‌بندی شدند. نتایج حاکی از آن است که تحقق شفافیت در حکمرانی نیازمند رویکردی جامع، میان‌رشته‌ای و نظام‌مند است که در آن بسترهای حقوقی، فرهنگی، فناوری و مشارکتی به طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد. پژوهش حاضر می‌تواند به عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر شفافیت در سازمان‌های دولتی و توسعه الگوهای بومی حکمرانی مطلوب مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: شفافیت، حکمرانی خوب، سازمان‌های دولتی، تحلیل مضمون، پاسخگویی، حکمرانی مشارکتی

مقدمه

شفافیت به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی حکمرانی مطلوب، طی دهه‌های اخیر مورد توجه ویژه پژوهشگران و سیاست‌گذاران در سطوح مختلف دولتی و فرادولتی قرار گرفته است. افزایش پیچیدگی و گستردگی امور دولتها و تغییر انتظارات عمومی نسبت به نهادهای دولتی، باعث شده است تا شفافیت نه تنها به عنوان ابزاری برای کاهش فساد، بلکه به عنوان ضرورتی بنیادین برای ارتقاء پاسخگویی، اعتمادسازی عمومی و تحقق دموکراسی کارآمد مطرح شود. (Kumar, ۲۰۲۵) بررسی‌ها نشان داده است که کشورهایی که شاخص شفافیت بالاتری دارند، در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موفقیت چشمگیری کسب کرده‌اند. در مقابل، فقدان شفافیت به عنوان یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی و فساد در بسیاری از دولتها معرفی شده است (علویان و ذکریاپور، ۱۴۰۰).

شفافیت در حکمرانی به معنای دسترسی آسان و برابر شهروندان به اطلاعات عمومی و تصمیمات حاکمان است که نه تنها زمینه‌ساز نظارت شهروندی و رسانه‌ای بر عملکرد حاکمان می‌باشد بلکه موجب ارتقاء کارآمدی، مسئولیت‌پذیری و تقویت مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری دولتی می‌شود. (Baldynyuk, ۲۰۲۴) همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند شفافیت به واسطه آشکارسازی تصمیمات حاکمان و افزایش دسترسی شهروندان به اطلاعات دقیق و معتبر، مبنایی اساسی برای امنیت اقتصادی و اجتماعی است (شهبازی و همکاران، ۱۴۰۰). در این راستا، مفهوم شفافیت سازمانی در پژوهش‌های داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته و اهمیت آن در افزایش عملکرد سازمانی با میانجیگری فرهنگ سازمانی به اثبات رسیده است (کردنائیج و همکاران، ۱۳۹۳).

بررسی پیشینه موجود در حوزه حکمرانی و شفافیت نشان می‌دهد که یکی از حوزه‌های چالشی در سازمان‌های دولتی ایران، ناکافی بودن سازوکارهای شفاف‌سازی است. سازمان‌های دولتی در بسیاری موارد به دلایل ساختاری، فرهنگی و مدیریتی با مشکلات جدی در پیاده‌سازی سیاست‌های شفافیت مواجه هستند (طجریلو و همکاران، ۱۴۰۱). این مسئله از یک سو به دلیل فقدان نظام حقوقی مشخص و منسجم و از سوی دیگر به علت ضعف یا نبود اراده سیاسی و فرهنگ سازمانی لازم برای ترویج شفافیت است (رضایی و یاور، ۱۳۹۹). بنابراین، درک الزامات و سازوکارهای مؤثر در ایجاد شفافیت امری ضروری است که می‌تواند گامی اساسی در جهت تحقق حکمرانی خوب تلقی شود (سپهرنیا و همکاران، ۱۳۹۸).

با توجه به مطالعات انجام‌شده، شفافیت در نظام حکمرانی مدرن به طور مشخص در سه سطح فردی، سازمانی و حاکمیتی قابل بررسی است. در سطح فردی، مفهوم شفافیت با مسئولیت اخلاقی رهبران و کارکنان در سازمان‌ها مرتبط است و پژوهش‌ها تأثیر مثبت رهبری اخلاقی بر تحقق شفافیت سازمانی را تأیید می‌کنند (مولائی و همکاران، ۱۳۹۸). در سطح سازمانی، شفافیت سازمانی علاوه بر افزایش اعتماد شهروندان، موجب بهبود فرهنگ سازمانی سالم و افزایش کارآمدی عملکرد کارکنان سازمان‌های دولتی می‌شود (معدنی، ۱۴۰۱). در سطح حاکمیتی نیز، شفافیت به عنوان یکی از شاخصه‌های اساسی دموکراسی و جمهوریت و از عوامل اصلی حکمرانی خوب محسوب می‌شود (یزدانی زنوز، ۱۳۸۸).

مطالعات مختلفی نیز نشان داده‌اند که شفافیت بدون مشارکت فعال نهادهای مدنی، رسانه‌ها و بخش خصوصی قابلیت تحقق کامل ندارد. به عبارت دیگر، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها در نظارت بر عملکرد دولت و تقویت شفافیت، امری است که نمی‌توان از اهمیت آن غافل بود (رفعت‌مقام و فیروزی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، تحولات تکنولوژیک و گسترش شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری مهم در تقویت شفافیت و مسئولیت‌پذیری در حکمرانی مطرح شده‌اند که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن‌ها، ارتباط مؤثرتری بین شهروندان و حاکمیت ایجاد می‌شود. (Aqeel et al., ۲۰۲۴; Zaiats, ۲۰۲۴)

همچنین، در مطالعات تطبیقی انجام شده مشخص گردیده است که استفاده از داده‌های باز دولتی و فراهم‌سازی دسترسی آزاد به اطلاعات به عنوان مکانیزم‌های مهمی در تقویت حکمرانی مشارکتی و شفافیت در سطوح مختلف دولتی و حاکمیتی مطرح می‌شوند (Moradi & Mazoochi, ۲۰۲۴). افزون بر این، بررسی تجربه کشورهای مختلف، به ویژه در قاره آفریقا و اروپا، نشان داده است که استفاده هوشمندانه از شبکه‌های اجتماعی و تکنولوژی‌های دیجیتال توسط بازیگران غیردولتی می‌تواند نقش مؤثری در ترویج شفافیت و حکمرانی خوب داشته باشد. (Kapesa & Nirmala, ۲۰۲۴)

به همین ترتیب، شفافیت نه تنها به حوزه تصمیمات دولتی محدود نیست، بلکه تأثیر آن در تمامی ابعاد مدیریت عمومی و حتی عملکرد شرکت‌ها و بنگاه‌های عمومی نیز مشهود است. برای مثال، مطالعاتی در مالزی نشان داده‌اند که شفافیت در مسئولیت اجتماعی و حکمرانی شرکتی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر عملکرد و اعتبار شرکت‌های دولتی داشته باشد. (Manoharan et al., ۲۰۲۴) بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برای دستیابی به اهداف عالی حکمرانی خوب نظیر عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی پایدار و مشارکت مردمی گسترده، ایجاد و تضمین شفافیت در تمامی سطوح حکمرانی و سازمانی یک ضرورت غیرقابل انکار است (Şengül & Günal, ۲۰۲۳).

با توجه به ضرورت‌های فوق، این پژوهش با هدف شناسایی الزامات شفافیت در حکمرانی سازمان‌های دولتی انجام شده و از روش تحلیل مضمون بهره گرفته است. روش مذکور یکی از ابزارهای کیفی معتبر برای تبیین عمیق و نظام‌مند مضامین مطرح در متون و منابع علمی می‌باشد که در پژوهش‌های مرتبط با حکمرانی و شفافیت کاربرد گسترده‌ای یافته است (علویان و ذکریا پور، ۱۴۰۰). امید است که این پژوهش با ارائه نتایج علمی معتبر، سهمی در ارتقاء فهم و عملکرد سازمان‌های دولتی در تحقق شفافیت و حکمرانی مطلوب داشته باشد.

بنابراین، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که «مضامین اصلی الزامات شفافیت در حکمرانی سازمان‌های دولتی کدامند؟» در این راستا، به منظور دستیابی به پاسخ علمی معتبر و دقیق به این پرسش، منابع داخلی و بین‌المللی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

حکمرانی، به عنوان مفهومی چندبعدی و پیچیده، در دهه‌های اخیر به شدت مورد توجه دانشمندان و نظریه‌پردازان حوزه مدیریت عمومی و علوم سیاسی قرار گرفته است. به طور خاص، بحث حکمرانی خوب (Good Governance) از جمله رویکردهای برجسته و تأثیرگذار در ادبیات مدیریت دولتی و مطالعات توسعه است که ریشه‌های آن به اوایل دهه ۱۹۹۰ بازمی‌گردد. حکمرانی خوب برای اولین بار به شکل رسمی و دقیق توسط بانک جهانی (World Bank, ۱۹۹۲) و برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP, ۱۹۹۷) مطرح شد. این دو سازمان بین‌المللی در اسناد خود، حکمرانی خوب را به عنوان فرآیندی توصیف کرده‌اند که در آن نهادهای عمومی به طور شفاف، پاسخگو و اثربخش به اداره امور عمومی می‌پردازند. (World Bank, ۱۹۹۲)

نظریه حکمرانی خوب به سرعت توسط نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف از جمله علوم سیاسی، اقتصاد، و مدیریت مورد توجه قرار گرفت. کافمن، کرای و زویدو (Kaufmann, Kraay & Zoido-Lobaton, ۱۹۹۹) در مطالعه‌ای مهم، حکمرانی خوب را با سه بُعد اصلی تعریف کردند: «شفافیت و پاسخگویی»، «اثربخشی دولت»، و «حاکمیت قانون». آن‌ها تأکید داشتند که شفافیت، زیربنای

اصلی سایر ابعاد حکمرانی است و فقدان آن باعث کاهش کارایی و افزایش فساد در سازمان‌های عمومی می‌شود (Kaufmann et al., ۱۹۹۹).

شفافیت (Transparency)، به عنوان مؤلفه‌ای حیاتی از حکمرانی خوب، توسط کریستوفر هود (Hood, ۲۰۰۶) به صورت دقیق و مفهومی تعریف شده است. هود (۲۰۰۶) در اثر کلاسیک خود با عنوان «شفافیت: کلیدی برای حکمرانی بهتر؟» شفافیت را «امکان دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات مربوط به فرآیندهای تصمیم‌گیری دولت» تعریف می‌کند. به عقیده او، شفافیت نقش کلیدی در کاهش ریسک‌های ناشی از سوءاستفاده از قدرت داشته و با آشکارسازی فرآیندهای تصمیم‌گیری، نظارت عمومی را تسهیل می‌کند و در نتیجه، اعتماد عمومی به دولت را افزایش می‌دهد. (Hood, ۲۰۰۶)

بر مبنای همین دیدگاه، استیگلیتز (Stiglitz, ۱۹۹۹)، برنده جایزه نوبل اقتصاد، معتقد است که شفافیت نه تنها ابزاری برای جلوگیری از فساد و سوءاستفاده از قدرت است، بلکه بستری برای شکل‌گیری و گسترش دموکراسی و مشارکت عمومی نیز محسوب می‌شود. به بیان استیگلیتز، شفافیت باعث کاهش «عدم تقارن اطلاعاتی» میان دولت و شهروندان می‌شود و این امر می‌تواند به تصمیمات بهینه‌تر و مشارکتی‌تر منجر شود. (Stiglitz, ۱۹۹۹) همچنین در حوزه مدیریت دولتی، فردریکسون (Frederickson, ۲۰۰۵) مفهوم حکمرانی خوب را از منظر اخلاقی تحلیل می‌کند. او معتقد است که حکمرانی خوب نه فقط به معنای کارآمدی تکنیکی دولت است، بلکه متضمن مسئولیت اخلاقی مدیران عمومی نیز می‌باشد. در این دیدگاه، شفافیت به عنوان یکی از ابعاد اخلاق عمومی در نظر گرفته می‌شود که باعث افزایش اعتماد شهروندان به حکومت و نهادهای عمومی شده و زمینه را برای تعامل سازنده میان دولت و جامعه فراهم می‌کند. (Frederickson, ۲۰۰۵) از سویی دیگر، نظریه پردازان حکمرانی مشارکتی مانند آنسل و گاش (Ansell & Gash, ۲۰۰۸) معتقدند که حکمرانی مطلوب و کارآمد به شدت به میزان مشارکت واقعی ذی‌نفعان و شفافیت وابسته است. آن‌ها شفافیت را شرط اساسی برای حکمرانی مشارکتی و موفق می‌دانند که زمینه‌ساز ایجاد اعتماد، درک متقابل و همکاری مؤثر میان دولت و سایر بازیگران اجتماعی و مدنی است. (Ansell & Gash, ۲۰۰۸)

مفهوم شفافیت همچنین در ادبیات اقتصادی، به ویژه در نظریه‌های اقتصادی سیاسی نیز مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. آکرلوف و شولر (Akerlof & Shiller, ۲۰۰۹) شفافیت را به عنوان سازوکاری برای کاهش «فساد اداری» و تقویت انگیزه‌های سالم اقتصادی مطرح کرده‌اند. به اعتقاد آنان، شفافیت سازمانی می‌تواند رفتار افراد در سازمان‌ها را به نحوی مثبت تحت تأثیر قرار داده و موجب بهبود فرهنگ سازمانی شود. (Akerlof & Shiller, ۲۰۰۹)

در رویکرد سازمانی، رولینز (Rawlins, ۲۰۰۹) مفهوم شفافیت سازمانی (Organizational Transparency) را ارائه کرده و آن را دارای چهار بُعد کلیدی می‌داند: شفافیت در اطلاعات، شفافیت در تصمیم‌گیری، شفافیت در پاسخگویی و شفافیت در عملکرد. او نشان می‌دهد که سازمان‌های دولتی شفاف‌تر، اعتماد عمومی بیشتری را کسب کرده و عملکرد بهتری را از خود نشان داده‌اند. (Rawlins, ۲۰۰۹) برخی نظریه‌پردازان نیز به ارتباط بین فرهنگ سازمانی و شفافیت توجه کرده‌اند. به طور خاص، دنیسون (Denison, ۱۹۹۰) با ارائه مدل معروف فرهنگ سازمانی خود، چهار بُعد اصلی «مشارکت»، «انطباق‌پذیری»، «ثبات» و «ماموریت» را مطرح می‌کند و بیان می‌کند که فرهنگ سازمانی قوی، لازمه پیاده‌سازی موفق شفافیت در سازمان‌ها است. به گفته او، شفافیت سازمانی بدون توجه به زمینه فرهنگی مناسب، به اثربخشی مطلوب نمی‌رسد. (Denison, ۱۹۹۰)

در ادبیات اخیر مدیریت دولتی و حکمرانی، مدل‌های جامع و جدیدتری نیز برای تحلیل شفافیت مطرح شده است. کمار (Kumar, ۲۰۲۵) اخیراً مدل «چارچوب یکپارچه حکمرانی مبتنی بر انسجام و پاسخگویی» (IAGF-۲۰۲۵) را ارائه کرده است که در آن شفافیت به عنوان محور اصلی حکمرانی مطلوب و پاسخگو در نظر گرفته می‌شود. در این چارچوب، شفافیت زمینه‌ساز مشارکت شهروندان و پاسخگویی اثربخش دولت معرفی شده است. (Kumar, ۲۰۲۵)

همچنین، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در ارتقاء شفافیت، یکی از ابعاد برجسته نظریه‌های اخیر است. نظریه‌پردازانی مانند برتوت و جگرز (Bertot, Jaeger & Grimes, ۲۰۱۰) معتقدند که فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک ابزاری کلیدی برای تحقق شفافیت بیشتر در حکمرانی است. این پژوهشگران تأکید می‌کنند که فناوری‌های جدید مانند پورتال‌های دولتی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند دسترسی آسان و سریع به اطلاعات عمومی را فراهم کرده و نظارت عمومی را تقویت کنند (Bertot et al., ۲۰۱۰). در نهایت، از منظر نظریه‌های بومی و اسلامی نیز مفهوم شفافیت به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، پژوهش‌های داخلی به مفهوم شفافیت از منظر اندیشه اسلامی و شیعی پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، علویان و ذکریاپور (۱۴۰۰) در پژوهش خود نشان داده‌اند که اندیشه اسلامی، به‌ویژه آموزه‌های نهج‌البلاغه و دیدگاه‌های امام علی (ع)، به‌شدت بر مفهوم شفافیت در حکمرانی تأکید دارند. به اعتقاد آنان، شفافیت در اندیشه اسلامی نه تنها جنبه مدیریتی و تکنیکی دارد، بلکه دارای بعد اخلاقی و اعتقادی عمیقی است که تحقق آن را به عنوان یک ارزش دینی و انسانی نیز مطرح می‌سازد (علویان و ذکریاپور، ۱۴۰۰).

به‌طور کلی، مرور دقیق و جامع نظریات مطرح‌شده در حوزه حکمرانی خوب و شفافیت نشان می‌دهد که شفافیت به عنوان یکی از ارکان بنیادین حکمرانی مدرن، در کانون توجه طیف گسترده‌ای از نظریه‌پردازان قرار گرفته است. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که شفافیت به عنوان ابزاری ضروری برای مقابله با فساد، تقویت پاسخگویی و جلب مشارکت عمومی محسوب می‌شود و بدون آن، تحقق اهداف حکمرانی مطلوب ناممکن خواهد بود. بنابراین، در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد که این مبانی نظری به عنوان پایه و مبنای تحلیل مضامین مرتبط با الزامات شفافیت در سازمان‌های دولتی مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی مرتبط با شفافیت و حکمرانی در سازمان‌های دولتی

در پژوهش‌های داخلی، مفهوم شفافیت به عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین حکمرانی خوب، جایگاه قابل‌توجهی یافته است. علویان و ذکریاپور (۱۴۰۰) با تحلیل اندیشه‌های مقام معظم رهبری، شفافیت را نه یک پدیده صرفاً مدرن غربی، بلکه ریشه‌دار در آموزه‌های اسلامی معرفی کرده‌اند. در این مطالعه، بر دو بُعد اصلی «محتوا» و «ملزومات تحقق شفافیت» تأکید شده است که در چارچوب حکمرانی اسلامی قابل تبیین هستند. همسو با این نگاه، طاهری و ارسطا (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی تطبیقی، اصول شفافیت در اندیشه اسلامی را با نظریه حکمرانی خوب مقایسه و بر هم‌پوشانی مفهومی این دو بستر تأکید کرده‌اند. چنین پژوهش‌هایی ضمن غنای نظری، بُعد دینی شفافیت را برای سیاست‌گذاری بومی تبیین می‌کنند. در ادامه این مسیر، عبدالحسین‌زاده (۱۳۹۹) نیز بر این نکته تأکید دارد که شفافیت، رویکردی کاربردی برای مقابله با ناکارآمدی‌های نهادی و ارتقای مشروعیت نظام اداری است.

در حوزه پیوند مفهومی شفافیت با متغیرهای سازمانی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. کردنائیج، فانی و مسعودی (۱۳۹۳) نقش فرهنگ سازمانی را به عنوان متغیر میانجی میان شفافیت و عملکرد سازمانی بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که بدون

نهادینه‌سازی ارزش‌های فرهنگی مرتبط با شفافیت، نمی‌توان به بهبود عملکرد سازمان‌ها امیدوار بود. معدنی (۱۴۰۱) نیز به شکلی عمیق‌تر، پیوند شفافیت سازمانی با فرهنگ سازمانی سالم را بررسی کرده و با بهره‌گیری از روش آمیخته، الگویی برای ارتقای سلامت فرهنگی سازمان‌های دولتی ارائه داده است. همچنین مولائی و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی رابطه رهبری اخلاقی با حکمرانی خوب نشان دادند که شفافیت رفتاری و مشارکت‌طلبی مدیران، در بهبود شاخص‌های حکمرانی نقش بسزایی دارد. پژوهش سپهرنیا و همکاران (۱۳۹۸) نیز با طراحی الگویی نوآورانه، نشان داد که «ارزش‌های ذهنی و عینی شفافیت» باید به صورت همزمان در نظام سیاست‌گذاری لحاظ شوند تا به شفافیت پایدار بینجامند.

از منظر حقوقی و ساختاری، مطالعاتی به بررسی موانع حقوقی و نهادی تحقق شفافیت در سازمان‌های دولتی پرداخته‌اند. گل‌پور و همکاران (۱۴۰۱) ضمن بررسی ناکارآمدی‌های قوانین موجود در معاملات دولتی، بر ضرورت تقویت نهادهای نظارتی و پاسخگویی شفاف تأکید دارند. طجریلو، فراهانی و قلیخانی (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی تطبیقی، مکانیزم‌های تضمین شفافیت در شرکت‌های دولتی را با الگوهای جهانی مقایسه کرده و پیشنهادهایی برای استقرار گزارش‌دهی، حسابرسی و انتشار عمومی اطلاعات ارائه داده‌اند. رضایی و یآوری (۱۳۹۹) نیز بر ضعف‌های قانونی موجود در مناقصات دولتی ایران از منظر شفافیت پرداخته و لزوم بازنگری اساسی بر اساس استانداردهای جهانی تجارت را مطرح کرده‌اند. این یافته‌ها بیانگر آن است که علی‌رغم وجود قوانین متعدد، نبود نظام حقوقی منسجم یکی از موانع اصلی تحقق شفافیت در بخش دولتی است.

در سطح سیاست‌گذاری و حکمرانی کلان نیز مطالعاتی به بررسی وضعیت شفافیت در وبسایت‌ها و نهادهای دولتی پرداخته‌اند. نرگسیان و جمالی (۱۳۹۸) و جمالی، نرگسیان و پیران‌نژاد (۱۳۹۶) نشان دادند که سازمان‌های دولتی، به‌ویژه نهادهای حاکمیتی، از شفافیت مناسبی در وبسایت‌ها برخوردار نیستند و این مسئله بر کاهش اعتماد عمومی تأثیرگذار است. یزدانی زنوز (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی نظری، شفافیت را شرط اساسی برای جهت‌دهی عملکرد کارکنان دولت، کاهش فساد و ارتقاء دموکراسی معرفی کرده است. رفعت‌مقام و فیروزی (۱۴۰۱) با تأکید بر نقش نهادهای مدنی، رسانه‌ها و بخش خصوصی، رویکرد حکمرانی مشارکتی را در ارتقاء شفافیت حاکمیتی مؤثر دانسته‌اند. همچنین نوری‌پور، تاجیک و اسفندیاری مقدم (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای کمی، وضعیت شفافیت در سازمان‌های بین‌المللی را تحلیل کرده‌اند که نتایج آن قابلیت الگوبرداری در سطوح داخلی را دارد. مجموع این پژوهش‌ها تأکید دارند که برای تحقق شفافیت پایدار، تعامل بین دولت، جامعه مدنی، و رسانه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است.

مطالعات بین‌المللی مرتبط با شفافیت و حکمرانی در سازمان‌های دولتی

در سطح بین‌المللی، مطالعات متعددی به بررسی رابطه میان شفافیت و حکمرانی پرداخته‌اند. بالدینیوک (۲۰۲۴) با تمرکز بر اوکراین، چالش‌های اجرایی تحقق استراتژی‌های ضد فساد را در نبود شفافیت اطلاعاتی و استقلال نهادی شناسایی کرده است. این مطالعه بیان می‌کند که بدون ساختارهای نظارتی مستقل و دسترسی آزاد به داده‌های عمومی، حتی پیشرفته‌ترین سیاست‌های ضدفساد نیز ناکارآمد خواهند بود. سنگول و گونال (۲۰۲۳) نیز با رویکردی تئوریک، مدل حکمرانی دموکراتیک را تبیین کرده‌اند و تأکید دارند که تحقق حکمرانی مشارکتی بدون وجود سازوکارهای شفاف، امکان‌پذیر نیست. آنان شفافیت را بستری برای مشارکت معنادار شهروندان در سیاست‌گذاری عمومی معرفی می‌کنند. این دو پژوهش نشان می‌دهند که شفافیت، نه تنها شاخصی عملکردی، بلکه زیربنای مشروعیت دموکراتیک در حکمرانی مدرن است.

در پژوهشی تطبیقی، کاپسا و نیرمالا (۲۰۲۴) با تحلیل نمونه‌های آفریقای جنوبی و زیمبابوه، نقش رسانه‌های اجتماعی در ارتقای شفافیت و حکمرانی مشارکتی را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط نهادهای غیردولتی می‌تواند به عنوان اهرمی برای مطالبه شفافیت از دولت عمل کند. عقیل و همکاران (۲۰۲۴) نیز تجربه پاکستان را بررسی کرده و نشان می‌دهند که مشارکت دیجیتال از طریق شبکه‌های اجتماعی، موجب تقویت نظارت عمومی، پاسخگویی نهادی و اعتماد اجتماعی می‌شود. زایاتس (۲۰۲۴) نیز در مطالعه‌ای مرتبط، به بررسی اثربخشی کانال‌های دیجیتال تعامل میان دولت و مردم پرداخته و تأکید دارد که طراحی سازوکار بازخورد در این بسترها شرط موفقیت در پیاده‌سازی شفافیت دیجیتال است. این مطالعات به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، اهمیت ابزارهای نوین فناوری را در تحقق شفافیت ساختاری برجسته می‌کنند.

در سطح سازمان‌های محلی و شهری، باکیرجی‌اوغلو و اوکتم (۲۰۲۵) تجربه شهرداری‌های ترکیه را تحلیل کرده‌اند که طی آن با راه‌اندازی «میز مردم» ارتباط مستقیم میان مردم و نهاد شهرداری تقویت شده است. این مدل که ترکیبی از شفافیت رفتاری و پاسخگویی سازمانی است، سبب ارتقای اعتماد عمومی و کارایی خدمات عمومی شده است. در سطح کلان‌تر، کومار (۲۰۲۵) با طراحی چارچوب «IAGF-۲۰۲۵» به تبیین ساختاری نوین برای حکمرانی بر پایه سلامت نهادی پرداخته و نقش شفافیت را در ایجاد هم‌افزایی میان سلامت ساختاری، انسجام سازمانی و عدالت نهادی تبیین کرده است. این چارچوب ضمن تأکید بر شفافیت مالی و عملیاتی، بر لزوم ارتقاء شاخص‌های اخلاقی در حکمرانی نیز توجه دارد. این دسته از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که شفافیت باید با سازوکارهای عینی و قابل سنجش در نظام اداری گره بخورد.

مطالعه مانوهاران و همکاران (۲۰۲۴) با تمرکز بر شرکت‌های دولتی مالزی، تأثیر شفافیت در مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ساختار حکمرانی را بر عملکرد اقتصادی این نهادها بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که سطوح بالاتر شفافیت، با بهبود بهره‌وری، افزایش اعتماد ذی‌نفعان و کاهش ریسک‌های فساد همراه بوده است. از سوی دیگر، ریسا و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای موردی بر بخش عمومی کنیا، نشان دادند که اجرای اصول حکمرانی خوب به‌ویژه شفافیت اطلاعاتی، بر عملکرد پایدار نهادهای دولتی اثرگذار است. این مطالعات تأکید دارند که شفافیت نه تنها شاخصی اخلاقی، بلکه عاملی مؤثر در بهبود کارکرد اقتصادی و نهادی تلقی می‌شود که قابلیت پیاده‌سازی در سطوح مختلف حکمرانی را دارد.

در نهایت، نونس، گومس و سانتانا (۲۰۲۳) به تحلیل نقش شفافیت در بیمارستان‌های دولتی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که شفافیت مالی، کلینیکی و مدیریتی می‌تواند تصمیم‌گیری مدیران را کارآمدتر سازد و پاسخگویی به بیماران را ارتقاء دهد. همچنین مرادی و مژوچی (۲۰۲۴) در زمینه دولت باز، به نقش داده‌های باز در ارتقاء شفافیت در نظام‌های حکمرانی پرداخته‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند که داده‌های باز به عنوان یکی از ارکان اصلی حکمرانی دیجیتال، بستر مهمی برای ارتقای مشارکت مردمی، کاهش فساد و افزایش نظارت عمومی فراهم می‌کنند. این مطالعات در مجموع نشان می‌دهند که شفافیت اطلاعاتی، اگر با ساختارهای نهادی همراه شود، می‌تواند اثربخشی حکمرانی را در حوزه‌های کلیدی همچون سلامت، اقتصاد و خدمات عمومی به طرز چشمگیری افزایش دهد.

جمع‌بندی و شناسایی خلأ پژوهشی

با مرور نظام‌مند مطالعات داخلی و بین‌المللی، می‌توان دریافت که مفهوم شفافیت به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی حکمرانی خوب، به‌ویژه در سازمان‌های دولتی، در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته است. مطالعات داخلی عمدتاً با تمرکز بر ابعاد نظری، فرهنگی و دینی شفافیت، تلاش کرده‌اند جایگاه آن را در ساختار سیاسی و مدیریتی جمهوری اسلامی ایران تبیین کنند (علویان و ذکریاپور،

۱۴۰۰؛ طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵). همچنین، پژوهش‌هایی بر نقش متغیرهای سازمانی مانند فرهنگ سازمانی، رهبری اخلاقی و سلامت نهادی در تحقق شفافیت تأکید دارند (کردنائیج و همکاران، ۱۳۹۳؛ معدنی، ۱۴۰۱؛ مولائی و همکاران، ۱۳۹۸). در سطح ساختاری نیز، چالش‌های حقوقی، ناکارآمدی مقررات و ضعف سامانه‌های اطلاعاتی، به عنوان موانع کلیدی تحقق شفافیت شناسایی شده‌اند (گل‌پور و همکاران، ۱۴۰۱؛ طجریلو و همکاران، ۱۴۰۱؛ رضایی و یآوری، ۱۳۹۹). در مقابل، مطالعات بین‌المللی تمرکز بیشتری بر بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی، داده‌های باز، رسانه‌های اجتماعی و مدل‌های مشارکتی در تقویت شفافیت داشته‌اند (Kapesa & Nirmala, ۲۰۲۴; Aqeel et al., ۲۰۲۴; Zaiats, ۲۰۲۴). هرچند این مطالعات از نظر رویکرد و ابزار، غنی هستند، اما عمدتاً در بسترهای محلی خاص خود باقی مانده و فاقد قابلیت تعمیم فراگیر هستند (Baldynyuk, ۲۰۲۴; Kumar, ۲۰۲۵).

بر این اساس، شکاف نظری و عملی معناداری در ادبیات موجود قابل شناسایی است؛ به‌ویژه فقدان چارچوبی جامع که الزامات شفافیت را در بستر حکمرانی سازمان‌های دولتی به صورت نظام‌مند و چندبعدی تبیین کند. اغلب پژوهش‌ها، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، یا به ارائه رویکردهای تحلیلی محدود به یک‌بعد خاص (حقوقی، فرهنگی، فناورانه یا مشارکتی) پرداخته‌اند یا صرفاً وضعیت موجود را بدون تحلیل پیشرونده بررسی کرده‌اند (Moradi & Mazoochi, ۲۰۲۴; Manoharan et al., ۲۰۲۴). سپهرنیا و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین، خلأ پژوهش‌هایی با روش تحلیل مضمون برای استخراج مضامین مشترک و الزامات عملیاتی شفافیت، در میان ادبیات موجود کاملاً مشهود است. در نتیجه، نیاز به مطالعه‌ای تلفیقی و بین‌رشته‌ای وجود دارد که با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، از دل مطالعات موجود، مضامین و الزامات اصلی شفافیت در حکمرانی دولتی را استخراج و دسته‌بندی نماید؛ مدلی که هم متناسب با زمینه‌های بومی و فرهنگی کشور باشد و هم قابلیت تطبیق‌پذیری با الگوهای بین‌المللی را دارا باشد (Amirullah, ۲۰۲۴; Nunes et al., ۲۰۲۳). پژوهش حاضر با تکیه بر چنین رویکردی در پی پاسخ‌گویی به این نیاز علمی و سیاستی است.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از نوع **پژوهش مروری کیفی** است که با بهره‌گیری از رویکرد **تحلیل مضمون** به شناسایی و طبقه‌بندی الزامات شفافیت در حکمرانی در سازمان‌های دولتی می‌پردازد. رویکرد مروری-تحلیلی این پژوهش، در پی آن است تا از طریق مطالعه و تحلیل نظام‌مند ادبیات علمی، مفاهیم و مؤلفه‌های کلیدی مرتبط با شفافیت را استخراج و در قالب مضامین اصلی و فرعی سازمان‌دهی نماید. تحلیل مضمون، به عنوان یکی از روش‌های رایج در مطالعات کیفی، به پژوهشگر امکان می‌دهد تا از میان داده‌های متنی گسترده، الگوهای معنایی را شناسایی و معناهای پنهان در متن را کشف نماید. (Braun & Clarke, ۲۰۰۶)

روش جستجو و انتخاب منابع

برای دستیابی به منابع علمی مرتبط، فرآیند جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی از جمله **Magiran**، **Scopus**، **Web of Science** و **Google Scholar** صورت گرفت. کلیدواژه‌های مورد استفاده در فرآیند جستجو شامل ترکیب‌هایی از «شفافیت»، «حکمرانی خوب»، «سازمان‌های دولتی»، «پاسخگویی»، «دولت باز»، «مدیریت دولتی» و معادل‌های انگلیسی آن‌ها مانند *Transparency, Good Governance, Public Administration, Accountability* بودند. معیارهای انتخاب مطالعات شامل ارتباط موضوعی مستقیم با مفهوم شفافیت در حکمرانی دولتی، برخورداری از روش‌شناسی روشن،

انتشار در بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۵، و اصالت علمی (انتشار در مجلات علمی-پژوهشی یا کنفرانس‌های بین‌المللی) بوده است. در نهایت، ۲۸ منبع (۱۶ منبع داخلی و ۱۲ منبع بین‌المللی) با محتوای تحلیلی، نظری یا تجربی برای تحلیل مضمون انتخاب و بررسی شد.

نحوه تحلیل مضمون

جهت تحلیل محتوای متون منتخب، از مدل شش مرحله‌ای تحلیل مضمون براون و کلارک (Braun & Clarke, ۲۰۰۶) استفاده شد. این مدل به‌عنوان یکی از پرکاربردترین روش‌ها در تحلیل کیفی داده‌ها، امکان شناسایی، سازمان‌دهی و تفسیر مضامین معنادار از دل داده‌های متنی را فراهم می‌سازد. مراحل اجرای این روش در پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۱. **آشنایی با داده‌ها:** در این مرحله، تمامی متون انتخابی چندین بار به‌صورت عمیق و نظام‌مند مطالعه شد تا پژوهشگر با ساختار مفهومی و محتوای نظری آن‌ها آشنا شود و زمینه برای استخراج کدهای اولیه فراهم گردد.
۲. **تولید کدهای اولیه:** مفاهیم کلیدی، گزاره‌های پرتکرار و مؤلفه‌های مرتبط با الزامات شفافیت از هر متن استخراج و در قالب کدهای اولیه دسته‌بندی شد. این کدها مبنای استخراج مضامین قرار گرفتند.
۳. **جستجوی مضامین:** کدهای اولیه مشابه در کنار یکدیگر قرار گرفتند و با تحلیل روابط بین آن‌ها، مضامین فرعی و سپس مضامین اصلی شناسایی شد. این مرحله با ترکیب داده‌های متنی و مفاهیم تئوریک صورت پذیرفت.
۴. **بازبینی مضامین:** مضامین حاصل در دو سطح بازبینی شدند: نخست، انسجام درونی هر مضمون، و دوم، تناسب و هم‌پوشانی مضامین با کل داده‌ها و هدف پژوهش بررسی شد. مضامین ضعیف یا تکراری ادغام یا حذف گردیدند.
۵. **تعریف و نام‌گذاری مضامین:** در این مرحله برای هر مضمون، تعریفی روشن و دقیق ارائه شد و عنوانی مناسب و علمی جهت تمایز و شفافیت بیشتر انتخاب گردید. این فرایند بر پایه هم‌ارزی مفهومی و روایی نظری صورت گرفت.
۶. **تهیه گزارش تحلیلی:** در پایان، یافته‌های تحلیل مضمون در قالب مضامین اصلی و فرعی گزارش شد و با ارجاع به منابع علمی، تفسیر و تحلیل گردید. این گزارش، بنیانی برای پاسخ به پرسش پژوهش و دستیابی به هدف اصلی مطالعه فراهم ساخت.

به‌طور کلی، رویکرد تحلیل مضمون در این پژوهش، امکان شناسایی عمیق و منظم الزامات شفافیت را از میان متون متنوع فراهم کرده و با تکیه بر مبانی نظری معتبر و داده‌های مستند، به تدوین مدلی ساخت‌یافته از مضامین مؤثر در حکمرانی شفاف در سازمان‌های دولتی انجامیده است. این روش ضمن برخورداری از انعطاف‌پذیری نظری، از دقت تحلیلی و قابلیت تعمیم در سطح مفهومی نیز برخوردار است.

یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل مضمون حاصل از بررسی ۲۸ منبع علمی داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که الزامات شفافیت در حکمرانی در سازمان‌های دولتی، ابعاد متنوع و میان‌رشته‌ای دارد که می‌توان آن‌ها را در قالب پنج مضمون اصلی شامل «الزامات قانونی و حقوقی»، «الزامات ساختاری و نهادی»، «الزامات فرهنگی و ارزشی»، «الزامات فناورانه و اطلاعاتی» و «الزامات مشارکتی و اجتماعی» طبقه‌بندی کرد. هر یک از این مضامین اصلی، شامل چندین مضمون فرعی و در لایه‌های پایین‌تر شامل کدهای فرعی هستند که از تحلیل دقیق جملات کلیدی متون استخراج شده‌اند. برای مثال، الزام «اصلاح ساختارهای حقوقی» به‌عنوان یکی از مضامین فرعی، از کدهایی مانند «ناکارآمدی قوانین ضد فساد»، «خلأ در مقررات مناقصات» و «عدم انطباق با استانداردهای جهانی» تشکیل شده است. چنین ساختاری نشان می‌دهد که تحلیل مضمون، امکان عبور از سطح کلیات به عمق معنا و شناسایی دقیق عناصر بنیادین شفافیت را فراهم می‌سازد.

در فرآیند تحلیل، ابتدا ۲۷ کد فرعی اولیه از مرور منابع علمی استخراج شد که بیانگر مفاهیم پایه‌ای مرتبط با الزامات شفافیت بودند. با این حال، در مرحله دسته‌بندی و بازبینی مضامین، برخی کدها که در ابتدا به‌صورت یکپارچه و کلی ثبت شده بودند، در مواجهه با مضامین متعدد یا زمینه‌های معنایی متفاوت، تفکیک و بازشناسی شدند. به همین دلیل، در مرحله نهایی، تعداد کدهای فرعی به ۳۲ مورد افزایش یافت. این امر نه تنها نشانه‌ای از تناقض نیست، بلکه امری طبیعی در مسیر تحلیل مضمون محسوب می‌شود؛ چراکه هدف از این روش، دستیابی به دقت بیشتر در تفسیر مفاهیم است. به‌طور نمونه، کد اولیه «رسانه‌ها و جامعه مدنی» در گام نخست یک واحد تحلیلی تلقی می‌شد، اما در بررسی‌های عمیق‌تر، به سه کد مجزا یعنی «رسانه‌ها»، «نقش شبکه‌های اجتماعی» و «فشار مدنی دیجیتال» تفکیک گردید، زیرا هر یک در متون مختلف، معنای مستقل و نقش خاص خود را در تحقق شفافیت ایفا کرده بودند.

این سطح از تحلیل، زمینه را برای درک دقیق‌تر روابط علی و زمینه‌ای میان مؤلفه‌های شفافیت در حکمرانی فراهم ساخت. برای مثال، مضمون اصلی «الزامات فناورانه و اطلاعاتی» که از کدهایی مانند «پورتال‌های شفاف»، «داده‌های باز»، «دولت الکترونیک» و «بازخورد دیجیتال» تشکیل شده، بیش از پیش نشان داد که شفافیت در حکمرانی بدون زیرساخت‌های فناورانه مناسب و سامانه‌های اطلاعاتی مؤثر، به‌سختی تحقق‌پذیر خواهد بود. همچنین، مضامینی چون «رهبری اخلاقی»، «فرهنگ سازمانی سالم» و «شفافیت برای اعتمادسازی عمومی» در دل مضمون اصلی «الزامات فرهنگی و ارزشی» جای گرفتند که تأکید دارد تحقق شفافیت صرفاً از مسیر قوانین و فناوری نمی‌گذرد، بلکه نیازمند تقویت بُعد نرم‌افزاری سازمان‌هاست. به‌طور کلی، یافته‌ها تأکید دارند که شفافیت، مفهومی چندبُعدی است که تحقق آن نیازمند آمیزه‌ای از الزامات ساختاری، ارزشی، قانونی، فناورانه و اجتماعی به‌شکل هم‌زمان است؛ و این تحلیل مضمون، نقشه‌ای جامع از این الزامات ارائه می‌دهد.

جدول ۱: جملات استخراج شده و کدهای فرعی

کد فرعی	جمله استخراج شده	رفرنس	ردیف
شفافیت در اندیشه دینی	شفافیت نه تنها یک مفهوم مدرن غربی نیست بلکه در اندیشه اسلامی نیز جایگاهی عمیق دارد.	علویان و ذکریاپور (۱۴۰۰)	۱

۲	طاهری و ارسطا (۱۳۹۵)	اصول شفافیت در اسلام با نظریه‌های نوین حکمرانی خوب هم‌پوشانی دارند.	انطباق مفهومی شفافیت با حکمرانی اسلامی
۳	عبدالحسین زاده (۱۳۹۹)	شفافیت ابزاری برای مقابله با ناکارآمدی‌های نهادی و ارتقای مشروعیت نظام اداری است.	شفافیت برای مشروعیت نهادی
۴	کردنائیج، فانی و مسعودی (۱۳۹۳)	بدون فرهنگ سازمانی مناسب، تحقق شفافیت سازمانی غیرممکن است.	ضرورت فرهنگ سازمانی برای شفافیت
۵	معدنی (۱۴۰۱)	پیوند شفافیت با فرهنگ سازمانی سالم می‌تواند محیط سازمانی را ایمن و پاسخگو کند.	شفافیت و سلامت سازمانی
۶	مولائی و همکاران (۱۳۹۸)	شفافیت در رفتار مدیریتی موجب حکمرانی بهتر و اخلاق مدار می‌شود.	شفافیت رفتاری مدیران
۷	سپهرنیا و همکاران (۱۳۹۸)	ارزش‌های ذهنی و عینی شفافیت باید همزمان در سیاست‌گذاری در نظر گرفته شوند.	شفافیت چندسطحی
۸	گل‌پور و همکاران (۱۴۰۱)	قوانین ضد فساد ناکارآمد هستند و شفافیت در معاملات دولتی نیازمند اصلاح ساختاری است.	ناکارآمدی حقوقی در معاملات
۹	طجرلو، فراهانی و قلیخانی (۱۴۰۱)	گزارش‌دهی، حسابرسی و انتشار اطلاعات سه سازوکار تضمین شفافیت هستند.	سازوکارهای اجرایی شفافیت
۱۰	رضایی و یاوری (۱۳۹۹)	مناقصات دولتی ایران فاقد انطباق با استانداردهای شفافیت جهانی‌اند.	خلأ حقوقی در مناقصات
۱۱	نرگسیان و جمالی (۱۳۹۸)	شفافیت در سازمان‌های حاکمیتی کمتر رعایت می‌شود و موجب کاهش اعتماد عمومی شده است.	کم‌شفافیتی در نهادهای حاکمیتی
۱۲	جمالی، نرگسیان و پیران‌نژاد (۱۳۹۶)	رابطه معناداری میان رتبه وب‌سایت‌های وزارتخانه‌ها و شفافیت اطلاعات وجود دارد.	شفافیت دیجیتال در پورتال‌ها
۱۳	یزدانی زنوز (۱۳۸۸)	شفافیت شرط اساسی برای جهت‌دهی عملکرد کارکنان دولت و ارتقاء دموکراسی است.	شفافیت برای دموکراسی اداری

۱۴	رفعت مقام و فیروزی (۱۴۰۱)	رسانه‌ها و نهادهای مدنی ابزار کلیدی در ارتقاء شفافیت هستند.	نقش رسانه‌ها و جامعه مدنی
۱۵	نوری پور، تاجیک و اسفندیاری مقدم (۱۴۰۰)	سازمان‌های بین‌المللی با استفاده از وبسایت‌های شفاف، مشارکت شهروندی را تقویت می‌کنند.	وبسایت شفاف برای مشارکت مردمی
۱۶	Baldynyuk (۲۰۲۴)	فقدان نهادهای مستقل و اطلاعات عمومی قابل دسترس، مانع شفافیت در اوکراین است.	استقلال نهادی و داده‌های عمومی
۱۷	Şengül & Günal (۲۰۲۳)	شفافیت شرط گفت‌وگوی واقعی میان دولت و جامعه مدنی در حکمرانی دموکراتیک است.	شفافیت برای مشارکت دموکراتیک
۱۸	Kapesa & Nirmala (۲۰۲۴)	رسانه‌های اجتماعی در مطالبه شفافیت از دولت مؤثر هستند.	رسانه‌های اجتماعی و شفافیت
۱۹	Amirullah (۲۰۲۴)	حکمرانی مشارکتی نیازمند سازوکارهای شفاف و تعاملی در سطوح مختلف است.	شفافیت در حکمرانی مشارکتی
۲۰	Bakırcıoğlu & Öktem (۲۰۲۵)	«میز مردم» راهی برای ایجاد شفافیت و اعتماد در سطح محلی است.	شفافیت محلی از طریق ارتباط مردمی
۲۱	Kumar (۲۰۲۵)	چارچوب IAGF بر سلامت نهادی، پاسخگویی و شفافیت تأکید دارد.	شفافیت در چارچوب‌های ساختاری
۲۲	Zaiats (۲۰۲۴)	طراحی بازخورد در کانال‌های دیجیتال کلید موفقیت در شفافیت الکترونیک است.	ضرورت مکانیزم بازخورد دیجیتال
۲۳	Manoharan et al. (۲۰۲۴)	شفافیت نهادی موجب بهبود عملکرد اقتصادی و کاهش فساد است.	شفافیت و عملکرد اقتصادی
۲۴	Aqeel et al. (۲۰۲۴)	مشارکت دیجیتال از طریق شبکه‌های اجتماعی، پاسخگویی را ارتقاء می‌دهد.	پاسخگویی از طریق مشارکت دیجیتال
۲۵	Resa & Group Five (۲۰۲۴)	اجرای شفافیت اطلاعاتی در بخش عمومی کنیا به بهبود عملکرد پایدار منجر شده است.	شفافیت و پایداری عملکرد

۲۶	Nunes, Gomes & Santana (۲۰۲۳)	شفافیت مالی و کلینیکی در بیمارستان‌ها باعث تصمیم‌گیری مؤثرتر می‌شود.	شفافیت خدماتی در سلامت
۲۷	Moradi & Mazoochi (۲۰۲۴)	داده‌های باز در دولت، مشارکت عمومی و نظارت را ارتقاء می‌بخشند.	داده‌های باز برای حکمرانی باز

جدول ۲. طبقه‌بندی نهایی کدهای فرعی در قالب مضامین فرعی و اصلی

مضمون اصلی	مضمون فرعی	کد فرعی	ردیف
الزامات قانونی و حقوقی	اصلاح ساختارهای حقوقی	ناکارآمدی قوانین ضد فساد	۱
		خلأ مقررات مناقصات	۲
		عدم انطباق با استانداردهای جهانی	۳
	تقویت نهادهای الزام‌آور	نبود نهاد مستقل	۴
		عدم دسترسی آزاد به داده‌ها	۵
		ضرورت شفافیت در سطح قانونی	۶
الزامات ساختاری و نهادی	پاسخگویی ساختاری	ساختار اجرایی شفاف	۷
		سامانه‌های گزارش‌دهی	۸
		سازوکارهای بازخورد	۹
	چارچوب حکمرانی نوین	چارچوب IAGF-۲۰۲۵	۱۰
		حکمرانی مشارکتی	۱۱
		پیوند نهادی شفافیت	۱۲
الزامات فرهنگی و ارزشی	ارزش‌های دینی شفافیت	شفافیت در اسلام	۱۳
		انطباق با حکمرانی اسلامی	۱۴

۱۵	مشروعیت نهادی			
۱۶	فرهنگ سازمانی سالم	فرهنگ سازمانی شفاف		
۱۷	رهبری اخلاقی			
۱۸	صداقت سازمانی			
۱۹	پورتال‌های شفاف			
۲۰	داده‌های باز	شفافیت دیجیتال	الزامات فناورانه و اطلاعاتی	
۲۱	اطلاعات سلامت و مالی			
۲۲	دولت الکترونیک			
۲۳	نقش شبکه‌های اجتماعی			
۲۴	رسانه‌ها	رسانه‌ها و فناوری مشارکتی		
۲۵	فشار مدنی دیجیتال			
۲۶	مشارکت مردم			
۲۷	نهادهای مدنی	مشارکت اجتماعی	الزامات مشارکتی و اجتماعی	
۲۸	تعامل دولت و جامعه			
۲۹	مطالبه‌گری عمومی			
۳۰	میز مردم			
۳۱	بازخورد شهروندی	ارتباط دوطرفه و اعتمادسازی		
۳۲	شفافیت برای اعتماد			

بحث و تحلیل یافته‌ها

نتایج تحلیل مضمون نشان داد که الزامات تحقق شفافیت در حکمرانی سازمان‌های دولتی در پنج بعد اصلی قابل شناسایی هستند: الزامات قانونی و حقوقی، ساختاری و نهادی، فرهنگی و ارزشی، فناورانه و اطلاعاتی، و مشارکتی و اجتماعی. هر یک از این ابعاد، شامل مضامین فرعی متعددی است که بر جنبه‌ای خاص از تحقق شفافیت تأکید دارند. به عنوان مثال، مضامین فرعی همچون «اصلاح

ساختارهای حقوقی»، «سازوکارهای پاسخگویی»، «فرهنگ سازمانی شفاف»، «رسانه‌های اجتماعی و داده‌های باز»، و «نظارت مدنی و اعتمادسازی عمومی» نشان می‌دهند که شفافیت نه صرفاً یک اقدام فناورانه یا قانونی، بلکه یک فرآیند پیچیده و میان‌رشته‌ای است که نیازمند هم‌افزایی همه‌جانبه میان نظام قانون‌گذاری، ساختار اداری، ارزش‌های فرهنگی، ابزارهای تکنولوژیک و مشارکت مردمی است.

مقایسه یافته‌های این پژوهش با مطالعات داخلی و خارجی، حاکی از آن است که هرچند ادبیات نظری گسترده‌ای در این حوزه وجود دارد، اما غالب مطالعات پیشین رویکردی جزیره‌ای و تک‌بعدی داشته‌اند. در پژوهش حاضر، رویکرد تحلیل مضمون با تلفیق داده‌های نظری و تجربی، امکان تبیین جامع‌تری از الگوی شفافیت را فراهم کرده است. در فرآیند تحلیل، ابتدا ۲۷ کد فرعی اولیه شناسایی شد که در مرحله دسته‌بندی مجدد، به دلیل تفکیک دقیق‌تر مفاهیم، به ۳۲ کد فرعی افزایش یافت. این افزایش، طبیعی و متداول در روش تحلیل مضمون است و نشان‌دهنده تعمیق مفاهیم و کشف لایه‌های پنهان معنایی است. برای مثال، کدی چون «رسانه‌ها و جامعه مدنی» در تحلیل اولیه، در ادامه به سه کد مستقل شامل «رسانه‌ها»، «نقش شبکه‌های اجتماعی» و «فشار مدنی دیجیتال» تفکیک شد که هر یک در متون مختلف عملکرد تحلیلی مستقل داشتند.

از منظر تطبیقی، یافته‌ها بیانگر وجود شباهت‌های مفهومی میان تجارب داخلی و بین‌المللی هستند. همه مطالعات به نوعی بر اهمیت اطلاعات شفاف، پاسخگویی دولتی، مشارکت شهروندی و مقابله با فساد تأکید دارند. با این حال، تفاوت‌هایی نیز در اولویت‌بندی مضامین دیده می‌شود؛ در مطالعات بین‌المللی بُعد فناورانه (مانند دولت الکترونیک، داده‌های باز و زیرساخت‌های دیجیتال) به شکل عینی‌تر و اجرایی‌تر مطرح شده، در حالی که در پژوهش‌های داخلی، تأکید بیشتری بر پیوند شفافیت با مفاهیم بومی، ارزش‌های دینی، اخلاق مدیریتی و فرهنگ سازمانی شده است. این تفاوت‌ها بر ضرورت تدوین الگویی بومی‌شده و در عین حال همسو با استانداردهای جهانی تأکید دارند؛ الگویی که بتواند میان اقتضائات محلی و الزامات جهانی حکمرانی خوب تعادل برقرار کند. یکی از دستاوردهای کلیدی این پژوهش، روشن‌سازی این نکته است که شفافیت صرفاً از مسیر قوانین، فناوری یا ابلاغیه‌های رسمی حاصل نمی‌شود، بلکه باید در قالب یک نظام جامع و یکپارچه طراحی شود. در این نظام، قوانین الزام‌آور، ساختار پاسخگو، فرهنگ اعتماد، ابزارهای اطلاعاتی، و مشارکت فعال شهروندان به‌عنوان حلقه‌هایی از یک زنجیره معنادار به یکدیگر متصل می‌شوند. اگر هر یک از این حلقه‌ها تضعیف شود، کل چرخه شفافیت دچار اختلال می‌گردد. بنابراین شفافیت باید هم در لایه‌های بالادستی (نظام سیاست‌گذاری) و هم در سطوح عملیاتی (مدیریت سازمان‌ها) به‌صورت شبکه‌ای و هماهنگ استقرار یابد تا به کارآمدی، مشروعیت و رضایت عمومی منتهی شود.

پیشنهادهای کاربردی بر مبنای یافته‌ها

در سطح الزامات قانونی و حقوقی:

- بازنگری جامع در قوانین مرتبط با دسترسی آزاد به اطلاعات و مناقصات دولتی
- تدوین آیین‌نامه‌های شفافیت‌محور با ضمانت اجرای حقوقی مشخص
- ارتقاء استقلال و اختیارات نهادهای نظارتی و ضدفساد

در سطح الزامات ساختاری و نهادی:

- ایجاد و تقویت سامانه‌های الکترونیکی گزارش‌دهی و بازخورد سازمانی
- طراحی و استقرار چارچوب‌های نوین حکمرانی مانند IAGF یا مدل‌های پاسخگویی هوشمند
- بازطراحی فرآیندهای درون‌سازمانی مبتنی بر شفافیت و گردش آزاد اطلاعات

در سطح الزامات فرهنگی و ارزشی:

- آموزش و ارتقاء فرهنگ سازمانی مبتنی بر صداقت، پاسخگویی و رفتار اخلاقی
- ترویج رهبری اخلاق‌محور در سطوح مدیریتی و نظارتی
- نهادینه‌سازی شفافیت به‌عنوان یک ارزش فرهنگی در سازمان‌های دولتی

در سطح الزامات فناورانه و اطلاعاتی:

- توسعه زیرساخت‌های دولت الکترونیک و پورتال‌های اطلاع‌رسانی عمومی
- بهره‌گیری از داده‌های باز برای تقویت شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها
- طراحی سازوکارهای دیجیتال بازخورد از شهروندان (Feedback Mechanisms)

در سطح الزامات مشارکتی و اجتماعی:

- حمایت از نهادهای مدنی و رسانه‌ها به‌عنوان کنشگران شفافیت
- ایجاد بسترهای گفت‌وگوی دوسویه میان دولت و مردم
- اجرای سیاست‌های افزایش اعتماد عمومی از طریق شفاف‌سازی مستمر عملکرد دستگاه‌ها

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی الزامات شفافیت در حکمرانی در سازمان‌های دولتی، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، به مرور و تحلیل دقیق مطالعات داخلی و خارجی پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد که الزامات شفافیت را می‌توان در قالب پنج بُعد اصلی شامل الزامات قانونی و حقوقی، ساختاری و نهادی، فرهنگی و ارزشی، فناورانه و اطلاعاتی، و مشارکتی و اجتماعی طبقه‌بندی کرد. این مضامین، حاصل تجزیه و تحلیل ۳۲ کد فرعی استخراج‌شده از ۲۸ منبع معتبر علمی بوده و تصویری جامع، نظام‌مند و چندبُعدی از شرایط و پیش‌نیازهای تحقق شفافیت در نظام اداری ارائه می‌دهند. آنچه در این پژوهش برجسته می‌شود، ترکیب نگاه نظری و کاربردی به مقوله شفافیت و تأکید بر لزوم هم‌افزایی میان عوامل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در پیاده‌سازی آن است.

نتایج این مطالعه نشان داد که شفافیت در حکمرانی، مفهومی چندوجهی و فراتر از الزامات قانونی و فناورانه صرف است و تحقق آن نیازمند بسترسازی فرهنگی، پاسخگویی نهادی، ابزارهای اطلاعاتی و تعاملات مؤثر میان دولت و جامعه مدنی است. تحلیل مضمون نشان داد که در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، اگرچه ابعاد مختلف شفافیت بررسی شده‌اند، اما انسجام مفهومی و ساختاری میان آن‌ها کمتر وجود داشته است. این پژوهش تلاش کرد با دسته‌بندی تحلیلی یافته‌ها، مدلی یکپارچه برای درک عمیق‌تر از الزامات شفافیت ارائه دهد که می‌تواند مبنای طراحی سیاست‌های عمومی، اصلاح ساختارهای حکمرانی و آموزش مدیران در نهادهای دولتی قرار گیرد. در عین حال، تلفیق تجربه‌های داخلی و بین‌المللی، به شناسایی شکاف‌های دانشی و اجرایی نیز کمک کرد. با توجه به گستره و پیچیدگی موضوع، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با تمرکز بر هر یک از مضامین استخراج‌شده، به‌ویژه در حوزه‌های اجرایی، به بررسی موردی سازمان‌ها و ارزیابی میزان تحقق الزامات شفافیت بپردازند. همچنین طراحی مدل‌های بومی ارزیابی شفافیت، مطالعات تطبیقی میان کشورها، و بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی) می‌تواند افق‌های جدیدی در این زمینه بگشاید. توسعه ابزارهای سنجش شفافیت، طراحی داشبوردهای حکمرانی شفاف، و بررسی نقش هوش مصنوعی و فناوری‌های نوظهور در افزایش شفافیت دولتی، از دیگر حوزه‌هایی است که ظرفیت بالایی برای پژوهش‌های آینده دارد. استمرار این مسیر پژوهشی می‌تواند منجر به شکل‌گیری سیاست‌های منسجم‌تر، دولت پاسخگوتر، و نهایتاً تقویت اعتماد عمومی به نهادهای حکمرانی شود.

منابع

- Baldynyuk, V. M. (۲۰۲۴). Anti-corruption strategies in public administration: Challenges and prospects for Ukraine. *Public Management and Policy*, ۱, ۲۱-۲۳. doi:
- Şengül, R., & Günal, C. N. (۲۰۲۳). Democratic governance approach as a new paradigm in public service provision. In *Proceedings of the International European Conference on Interdisciplinary Scientific Research-VIII*. Rome, Italy.
- Kapesa, T., & Nirmala, D. (۲۰۲۴). Harnessing the power of social media for promoting transparency in collaborative governance through non-state actors: A comparative case analysis of South Africa and Zimbabwe. *Evolutionary Studies in Imaginative Culture*, ۸, ۲(S۱), ۸۶.
- Amirullah, I. (۲۰۲۴). Analyzing the impact of collaborative governance models on public service delivery. *Digital Innovation*, ۱(۳), ۲۲-۳۷.
- Bakırcıoğlu, İ. O., & Öktem, M. K. (۲۰۲۵). Kamu kurumlarında bir örgüt geliştirme modeli incelemesi: Kırşehir Belediyesi "Halkın Masası" örneği. *Ahi Evran Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, ۱۱(۱), ۱-۲۰.
- Kumar, S. (۲۰۲۵). The integrity and accountability governance framework (IAGF-۲۰۲۵). [Article].

- Zaiats, O. (۲۰۲۴). The role of social media in public administration and management: Interaction channels and their effectiveness. *Economies' Horizons*, ۳(۲۸), ۱۶۹-۱۷۱.
 - Manoharan, K. A., Jamaludin, A., Yusof, M. S., Abu Seman, S., Mohamed Roseli, N. R., & Ooi Kuan, T. (۲۰۲۴). The impact of corporate social responsibility transparency and corporate governance transparency on the performance of public listed companies in Malaysia. *International Journal of Religion*, ۵(۸), ۷۵۳-۷۶۰.
 - Aqeel, N., Alam, A., Bhatti, Z., Usama, A., Ali, A., Iqbal, A., & Ali, M. (۲۰۲۴). The role of social media in enhancing transparency, accountability, and civic engagement: Insights from Pakistan's governance framework. Preprint.
 - Resa, J. M., & Group Five. (۲۰۲۴). The impact of good governance on sustainable performance in the Kenyan public sector [PowerPoint slides]. In Senior Management Course (SMC ۴۱۹) Conference Paper. Kenya School of Government, Lower Kabete Campus.
 - Nunes, C., Gomes, P., & Santana, J. (۲۰۲۳). Transparency, accountability, and governance: A literature review in the context of public hospitals. *Brazilian Journal of Public Administration*, ۵۷(۲), e۲۰۲۲-۰۲۳۸.
 - Moradi, M., & Mazoochi, M. (۲۰۲۴). Mechanisms of participatory and public governance using open government data. *MR*, ۳۱(۲), ۲۳۵-۲۷۴.
-
- علویان، م. و ذکریاپور، س. (۱۴۰۰). واکاوی جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته، مبتنی بر اندیشه آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی). *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*، ۳(۲)، ۷۹-۵۳. <https://sid.ir/paper/۱۰۶۰۲۴۹/fa>
 - کردنائیج، ا.، فانی، ع.ا. و مسعودی، ز. (۱۳۹۳). فرهنگ سازمانی حلقه مفقوده شفافیت سازمانی و عملکرد سازمان. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۲(۲)، ۱۸۹-۱۷۳. <https://sid.ir/paper/۱۹۶۳۵۸/fa>
 - شهبازی، ن.، فروتن رمی، ع. و صادقی عمروآبادی، ب. (۱۴۰۰). شفافیت و امنیت اقتصادی؛ تحلیل کارکردی سازمان‌های اطلاعاتی. *مطالعات راهبردی*، ۲۴(۴)، ۱۵۴-۱۱۴. <https://sid.ir/paper/۱۰۰۸۸۳۱/fa>
 - گل‌پور، ح.، نبی‌پور، م.، اسماعیلی، م. و کاظمی جویباری، م. (۱۴۰۱). جایگاه شفافیت و پاسخگویی در مبارزه با فساد در معاملات دولتی. *نظارت و بازرسی*، ۱۶(۶۰)، ۷۳-۹۸.
 - بهرامی، م.، اکبرزاده، ف.، شهبابی، ر. و جلال‌پور، ش. (۱۳۹۹). نقش راهبردی شفافیت آرای نمایندگان در کارآمدی مجلس شورای اسلامی از نگاه حکمرانی مطلوب. *راهبرد*، ۲۹(۹۵)، ۸۳-۱۰۷. <https://sid.ir/paper/۹۶۴۶۴۸/fa>
 - نرگسیان، ع. و جمالی، ق. ع. (۱۳۹۸). وضعیت شفافیت در سازمان‌های حاکمیتی ایران. *دولت‌پژوهی*، ۵(۱۸)، ۲۰۹-۲۳۴. <https://sid.ir/paper/۵۲۶۵۹۵/fa>

- طجلو، ر.، فراهانی، م. ص.، و قلیخانی، ر. ا. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی سازوکارهای تضمین شفافیت در شرکت‌های دولتی. پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۴(۱۰)، ۲۳۵-۲۶۰. <https://sid.ir/paper/۹۶۱۴۴۶/fa>
- طاهری، م.، و ارسطا، م. ج. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۳(۳)، ۱-۲۴. <https://sid.ir/paper/۲۶۲۰۹۴/fa>
- معدنی، ج. (۱۴۰۱). پیوند مفهومی شفافیت سازمانی و فرهنگ سازمانی سالم در نهادهای دولتی (مورد مطالعه: سازمان‌های نظارتی قوه قضائیه). مدیریت فرهنگ سازمانی، ۲۰(۴)، ۸۰۱-۸۲۵.
- رضایی، م.، و یآوری، ا. (۱۳۹۹). اصل شفافیت در مناقصات دولتی ایران در پرتو مقررات سازمان جهانی تجارت و اتحادیه اروپا. دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه)، ۲۷(۱۸)، ۲۹۵-۳۲۳. <https://sid.ir/paper/۹۵۵۹۰۱/fa>
- رفعت‌مقام، و.، و فیروزی، م. (۱۴۰۱). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد، جامعه مدنی، رسانه‌ها، و بخش خصوصی در ایجاد شفافیت در حکمرانی. همایش ملی ارتقای شفافیت. <https://sid.ir/paper/۱۰۳۰۹۸۳/fa>
- نوری‌پور، م.، تاجیک، ا.، و اسفندیاری مقدم، ع. (۱۴۰۰). موردپژوهی وضعیت شفافیت وبسایت سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر: گامی به سوی حکمرانی خوب. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۷(۴)، ۱۱۵-۱۴۸. <https://sid.ir/paper/۱۰۰۵۸۹۰/fa>
- یزدانی زنوز، ه. (۱۳۸۸). نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب. حقوق اساسی، ۶(۱۱)، ۰-۰. <https://sid.ir/paper/۴۷۷۲۵۶/fa>
- جمالی، ق. ع.، نرگسیان، ع.، و پیران‌نژاد، ع. (۱۳۹۶). ارزیابی وضعیت شفافیت پورتال سازمان‌های دولتی (مطالعه موردی: وزارتخانه‌های ایران). مدیریت دولتی، ۹(۱)، ۶۱-۸۴. <https://sid.ir/paper/۱۳۹۸۵۲/fa>
- مولائی، س.، ایراندوست، م.، احمدیان، ج.، و بهمنی، ک. (۱۳۹۸). ارتباط رهبری اخلاقی با حکمرانی خوب در سازمان‌های دولتی. اخلاق در علوم و فناوری، ۱۴(۴)، ۱۳۹-۱۴۷. <https://sid.ir/paper/۱۲۲۷۷۹/fa>
- عبدالحسین‌زاده، م. (۱۳۹۹). تبیین مفهوم شفافیت و کاربرد آن در عرصه حکمرانی و اداره امور دولتی. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۸(۲)، ۱۷۸-۲۰۶. <https://sid.ir/paper/۴۱۳۰۰۷/fa>
- سپهرنیا، ر.، البرزی، م.، کرمانشاه، ع.، آذر، ع.، و سپهرنیا، ر. (۱۳۹۸). الگوی خلاقانه شفافیت حکمرانی خوب برای سازمان‌های سیاست‌گذار در ایران. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۹(۲)، ۷۷-۱۰۲.